

شاه در ۲۶ دی ماه از ایران فرار کرد. او به پاناما رفت در آنجا پادشاه پاناما می خواست او را لو بدهد ولی چون محمد رضاشاه پهلوی زرنگ بود. شبانه از پاناما به مصر رفت. آن ها از او استقبال کردند. او در همان جا در گذشت و برای او یک مراسم بی نظیری گرفتند و او را در آن جا خاکش کردند.

او مرد نادان و بی رحمی بود، دوست دارم بدانم او الآن در کجای جهنم است.

مردم مبارز ایران به رهبری امام خمینی (ره) با شاه و حکومت ستمگر آن مبارزه می کردند. آن ها اعلامیه های امام را به طور مخفیانه در زیرزمین ها چاپ می کردند و به طور شبانه بین مردم پخش می کردند.

این مبارزان شجاع از هیچ چیز نمی ترسیدند و خواهان حکومت جمهوری اسلامی بودند.

ساواک مبارزین را دستگیر می کرد و شکنجه می داد، ولی این مبارزین تحمل می کردند و لب از لب باز نمی کردند تا این که به شهادت می رسیدند. سرانجام انقلاب در روز ۲۲ بهمن به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید.

امام روح الله خمینی (ره) در شهر خمین به دنیا آمد. امام در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد. او در ۲۲ بهمن به پیروزی رسید.

جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در روز یازدهم فروردین ۱۳۵۸ مردم به پای صندوق های رأی رفتند و بیش از ۹۸/۲٪ آن ها به حکومت جمهوری اسلامی رأی آری دادند. سرانجام، حکومت ایران در تاریخ دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ به جمهوری اسلامی تبدیل شد.

انقلاب اسلامی ما بر پایه ی ایمان به خدا، رهبری امام خمینی و وحدت مردم به پیروزی رسید.

پس از رحلت امام خمینی (ره)، در سال ۱۳۶۸ حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) بودند که انقلاب اسلامی را هدایت کردند و آن را به پیروزی رساندند.

خطابنامه صدر حکومت ملی آذربایجان، سید جعفر پیشه وری به سازمان ملل متحد)

دوینانین ان قدیم خالقاریندان اولان آذربایجان خالق اؤزونون زنگین میلی تاریخینه مالیکدیر. عصرلرین کئشمکئش لرینده او، اؤز میلی دیلینی، عادت و عنعنه لرینی قورویوب ساخلایابلمیشدیر. ایران ظولمکارلاری آذربایجانی اؤز حاکیمیترلی آلتینا آلاق، اونون ثروتینی آمانسیزجاسینا تالادیلار. نتیجه ده آذربایجانین چیچکله نن کند و

شهرلری داغیماق حدینه گلیب چاتدی. شوئنسیست بؤیوک دؤولتچی لیک سییاستی یورودن ایران حؤکمدارلاری آذربایجانلیلارین وارلیغینی تامامی یله اینکار ائتمه یه جهد گؤسته ریر، اونلارین دیلینی الیندن آلماقدان، هر جور تحقیر ائدیجی عملردن چکینمیرلر.

بونا باخمایارق آذربایجان خالق ییر گون ده اولسون، اؤز آزادلیغی اوغروندا موباریزه سیننی دایاندیرمادی. آذربایجانلیلارین اؤز میلی آزادلیقلاری اوغروندا موباریزه سینین ان پارلاق نومونه سی سستارخان، باقیرخان، شئخ محمد خیابانی و باشقالارینین حرکتلری دیر. بو جسور اینسانلار موباریزه نین باشچی لاری، همده شهیدلری ایدی.

قانلی فاشیسم اوزه رینده دئموکراتیک دؤولتترین غلبه سی آذربایجان خالقینین موباریزه سینه یئنی تکان وئردی، یئنی شراییط یاراتدی. تئهران حؤکومتینین موقاویمتینه باخمایارق بو ایل ۲۱ آذرینده (۱۲ دئکابر) آذربایجان خالقینین عصرلردن بری آپاردیغی موباریزه سی غلبه ایله باشا چاتدی. آتلانتیک خارتیاسینا اویقون اولارق میلی مجلسین، آذربایجان میلی حؤکومتینین قورولماسی ایله نتیجه له ندی.

آذربایجاندا دئموکراتیک اساسلارا دایاناراق بیر میلی حؤکومت قورولوب و اؤز فعالیتینی باره ده بوتون دونیاا معلومات یاییب. ۵ میلیونلوق آذربایجان خالق میلی دیلینین، تاریخینین، مدنییتین کؤمه یی ایله اؤزونون موعاصیر بیر خالق اولدوغونو درک ائتدی و بیر ده هئچ واخت فارس ظولمونون آلتیندا اینله مه یه، فارس دیلینین ایرانداکی باشقا خالقلارین دیللری اوزه رینده آقالیغینا ایجازه وئرمه یه جکدیر. بو خالق بیر نفر کیمی اؤز حیاتی میلی آزادلیغینا و دؤولتینه قوربان وئرمه یه حاضیردیر.

یئنی دئموکراتیک آذربایجان حؤکومتی قیسیسا واخت عرضینده ایجتیماعی، ایتیمصادی، مدنی ساحه لرده جیددی ده بیشمه لر ائده بیلیم، داخلی تهلوکه سیزلیک تام برقرار اولونوب. یئنی میلی حؤکومتین فعالیتینی سایه سینده عصرلره ایستیتمار اولونان خالق عادی اینسان شراییطینده یاشاماغا باشلاییب. بونونلا دا او، اؤز میلی دؤولتینی قوروماق، اونو ایداره ائتمه یه قادیر اولدوغونو گؤسته ریر.

آذربایجان خالقینین ایراده سی ایله آتلانتیک خارتیاسینا, یعنی بؤیوک دئموکراتیک
دؤولترین وعدلرینه اویغون اولاراق قورولان آذربایجان میلی حؤکومتی آرتیق دانیلماز
فاکتدیر. بیرلشمیش میللتر تشکیلاتی باش آسامبئلیاسینا موراجیعتی ایله آذربایجان
خالقی خاهیش ائدیر کی, آذربایجان میلی حؤکومتینین وارلیغی فاکتی تانینسین و
کناردان موداخیله اولمادان, اونا اؤز طالعینین اؤزو طرفیندن موعیینله شدیریلمه سینه
تامینات وئرلسین.

آذربایجان میلی حؤکومتینین باش وزیر

سئید جعفر پیشه وری

۲۸ یانوار ۱۹۴۶

دکتر مهدی مجتهدی

سید جعفر پیشه‌وری در زاویه (از قراءِ خلخال) متولد شد. در جوانی به روسیه رفت و به بلشویک‌ها پیوست و به همراهی آنان به رشت و گیلان حمله کرد. پس از آنکه کومونیست‌ها در گیلان شکست خوردند، به باکو مراجعت نمود. مدتی در مدرسهٔ ایرانیان معلم شرعیات شد. بعداً به ایران مراجعت نمود و بلافاصله گرفتار گردید. گویا مدتی یازده سال در زندان قصر قاجار محبوس بوده است. پس از سوّم شهریور ۱۳۲۰ در تهران روزنامه‌ای به نام «آزیر» تأسیس کرد. در آن از روسیه طرفداری و به حکومت‌های وقت و سیاست انگلیس و امریکا حمله نمود و عضو جبههٔ آزادی که طرفدار پیشرفت سیاست روسیه در ایران بود، گردید.

در انتخابات دورهٔ چهاردهم از طرف جبههٔ آزادی و حزب توده کاندید وکالت شد. در اثر تقویت قونسولخانه و ائتلاف‌هایی که کرد وکیل اوّل تبریز گردید. اما پارلمان ایران اعتبار

نامه او را رد کرد. این امر اسباب شکست او نشد؛ چه، بلافاصله به ریاست جبهه آزادی رسید و از متنفذین دست چپی‌ها گردید.

پس از آنکه وجهه حزب توده در تبریز در اثر فاجعه ليقوان و قتل حاج احتشام پیرمرد نود ساله در مرداد ۱۳۲۴ از بین رفت وی در تبریز حزب دمکرات آذربایجان را تأسیس کرد. مرام این حزب و قسمتهای اجتماعی معتدل‌تر از حزب توده بود، اما در قسمتهای سیاسی طالب استقلال داخلی و خودمختاری و رواج زبان ترکی در آذربایجان بود.

فردای تشکیل حزب جدید در شهریور ۱۳۲۴، حزب توده آذربایجان با تمام شعبات و تشکیلاتش به آن ملحق گردید و پست‌و‌وری اول شخص مقتدر آذربایجان شد. دست به تشکیل کنگره ایالتی زد و از دولت مرکزی در خواست تشکیل انجمن ایالتی نمود. چون حکومت مرکزی به تقاضاهای او ترتیب اثر نداد، حزب دمکرات آذربایجان دست به اسلحه برد و به ساخلوهای آذربایجان فشار وارد آورد. دولت ایران خواست قشون به

آذربایجان فرستد، روس‌ها مانع شدند و قشون امدادی را در شریف‌آباد قزوین متوقف ساختند.

پیشه‌وری خودمختاری آذربایجان را اعلام و با مساعدت مأمورین شوروی ساخلوهای تبریز [۱] اردبیل و اورمیه را خلع سلاح نمود. و این امر مورد توجه دنیای متمدن واقع شد. آقای حکیمی رئیس‌الوزرای آذربایجانی نهضت دمکراتها را غیر قانونی و قیام‌کنندگان را ماجراجو و متجاسر خواند و بر اثر توصیه آقای تقی‌زاده دوست آذربایجانش با وصف فشار حزب توده و اقلیت مجلس که همه در تحت ریاست دکتر محمد مصدق مخالف این امر بودند، به شورای امنیت و سازمان ملل متفق شکایت کرد و بالافاصله استعفا داد. طرفداران پیشرفت سیاست روسیه در ایران قوام‌السلطنه را به ریاست وزرائی انتخاب کردند. وی برای حل مسالمت‌آمیز قضیه به مسکو رفت و با رهبران کرملین مذاکراتی کرد و بدون اینکه مذاکرات به جایی منتهی شود، به ایران مراجعت نمود. مجلس چهاردهم نیز بدون اینکه بتواند سیاست قوام‌السلطنه را مطالعه کرده به دولت او رأی اعتماد دهد، در بین غوغای حزب توده و دست‌چپی‌ها که باطناً از طرف معاون رئیس‌الوزرا تقویت می-

شدند، در بحرانی‌ترین ساعات با تأسفانگیزترین وضع خاتمه یافت؛ به عبارت دیگر تقریباً منفصل شد [۲].

قوام‌السلطنه که پس از دوره چهاردهم فرمانفرمای بلا منازع ایران شده بود، بالاخره طبق قراردادی که با پیشه‌وری بست، استقلال داخلی آذربایجان را به رسمیت شناخت و در اثر آن مجلس ملی آذربایجان به انجمن ایالتی تبدیل شد و خود پیشه‌وری از نخست‌وزیری به ریاست فرقه قناعت کرد و دکتر سلام‌الله جاوید وزیر داخله حکومت خودمختار، از طرف دولت مرکزی به استانداری منصوب گردید.

اما دمکرات‌ها با وصف این قرارداد، از روش سابق دست نکشیدند، زنجان را تخلیه نکردند، املاک مصادره شده را به صاحبان اصلی تحویل ندادند، به صاحب‌منصبان قشون مرکزی در امور قشون و امنیه مداخله ندادند، از دولت مرکزی اجرای مواد قرارداد را که به نفعشان بود جداً خواستار شدند، اما برای اجرای موادی که به ضررشان بود و

اقتدارشان را محدود می‌ساخت، قدمی برنداشتند و بدون توجّه به خارج ایران، رویهٔ سابقشان را ادامه دادند.

اما قوام‌السلطنه پس از انعقاد قرارداد از پشتیبانی شورای امنیت و دول انگلوساکسون مخصوصاً آمریکا استفاده کرده و برای توده را از کابینهٔ خود اخراج نمود و در اثر فشار محمدرضاشاه پهلوی به قشون ایران دستور داد که زنجان را علی‌رغم وجود دمکراتها اشغال نماید. دمکراتها عوض اینکه در مقابل این امر که طبق معاهده صورت گرفته بود تسلیم شوند متینگها دادند و خود را برای مقابله و مقاتله حاضر ساختند. بر ضد حکومت مرکزی به فحش و ناسزا متوسل شدند تا قوام‌السلطنه برای اجرای انتخابات آزاد در صدد فرستادن نیرو به آذربایجان برآمد. دمکراتها به این عنوان که این امر مخالف عهدنامه است مقاومت کردند. دست به بسیج عمومی آذربایجان زدند. اما در اثر سیاستهایی که هنوز روشن نشده تقریباً جنگ نکرده تسلیم شدند و از آذربایجان فرار کردند. آنها که ماندند و نتوانستند خود را به آن طرف رود ارس برسانند، در شهرهای

آذربایجان قبل از اینکه قشون دولتی برسد قتل عام شدند و عده‌ای از آنان تحویل دادگاه-
های نظامی گشتند و به حبس یا اعدام محکوم گردیدند.

به این طریق دورهٔ حکومت یک سالهٔ آنان که درست از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تا ۲۱ آذر ۱۳۲۵
طول کشید پایان یافت. و خود پیشه‌وری در عصر ۲۰ آذر ۱۳۲۵ به قفقاز رفت. آنجا بود
تا در ۱۳۲۶ در اثر یک حادثهٔ اتمبیل گویا درگذشت.

نهضت دمکراتها و حکومت یک سالهٔ آنان در آذربایجان از حوادث بسیار مهم تاریخ ایران
و مخصوصاً آذربایجان است. شک نیست که این نهضت منشأ بسیاری از آثار از بد و
نیک شده و خواهد شد.

هنوز از روی این نهضت آن قدر زمان نگذشته است که بشود در بارهٔ آن قضاوت کرد.
این نهضت از یک لحاظ دنبالهٔ نهضت مشروطیت و قیام شیخ محمد خیابانی بود و از یک
لحاظ دنبالهٔ قیام قزلباش‌ها و دنباله و غیره محسوب است. برای درک آن لازم است که

تاریخ آذربایجان را از چهارصد سال به این طرف ورق زد. از طرف دیگر این نهضت از منبع خارجی آب می‌خورد، به همین جهت مورد احترام طبقات روشنفکر آذربایجان نبود.

یکی از بزرگترین علل شکست نهضت پیشه‌وری این بود که او دو دعوی بزرگ: نزاع ملی (آذربایجانی و غیر آذربایجانی) و نزاع طبقاتی (کارگر و کارفرما) را پیش کشیده بود و می‌خواست هر دو را از پیش ببرد و چون فرمانبردار سیاست خارجی بود به آمال و آرزوهای حقیقی آذربایجانیان و احتیاجات حقیقی آن توجه نداشت. با اینکه صدی هفتاد تا هشتاد مستدعیات او صحیح و حق بود، به علت همین عدم توجه به آمال آذربایجانیها حکومت او منفور طبقات روشنفکر آذربایجان بود. جز عده‌ای مهاجر در شهرها و طبقات رعایای خوش‌نشین در دهات، هوادار صمیمی نداشت. این بود تا گیر و دار حادثه پیش آمد کار او پریشان شد. اگر وی در تبریز می‌ماند و مانند شیخ محمد خیابانی مقتول می‌شد، اثر نهضت او عمیق‌تر می‌شد.

اطرافیان او اشخاص غیر متجانس بودند. مهاجرین که تکیه‌گاه او بودند بعضی کومونیست صرف، بعضی آرزومند الحاق آذربایجان ایران به آذربایجان قفقاز و تشکیل یک حکومت مستقل، و شمار اعظم‌شان بی‌سواد و بی‌معلومات و بی‌ایده‌آل بودند و نهضت را عبارت از تصاحب خانه‌های مردم و به دست آوردن پول می‌دانستند. غیر مهاجرین که عده‌شان قلیل بود، بعضی مانند نورالله یکانی و رفقاییش نهضت را دنباله و متهّم نهضت مشروطیت می‌دانستند و بعضی فقط از راه تنفر از حکومت مرکزی به دمکراتها پیوسته بودند و بعضی مانند قیامی و عظیمی و رفیعی آرزومند بودند که از طرف فرقه به وکالت مجلس انتخاب شوند و در دستگاه حکومت مرکزی به مقامی شامخ برسند. عده‌ای دیگر هم چون حکومت به دست دمکراتها افتاده بود با آنان همکاری می‌کردند.

همهٔ دمکراتها، دولت روسیه را چند برابر قوی‌تر از آنچه بود و آمریکا و انگلیس را چند برابر ضعیف‌تر از آنچه بودند تصور می‌کردند و به عالم خارج و سیاست بین‌الملل و سایر معانی توجهی نداشتند. مثلاً عوض اینکه قضایای مهمّ اجتماعی از قبیل روابط مالک

و رعیت را که مشکل‌ترین مسئلهٔ روز و در درجهٔ اوّل اهمّیت بود حل کنند و یا مالکیت را الغا یا تثبیت و با تعدیل کنند [۳]، به چیزهای درجهٔ دوّم از قبیل تشکیل تئاتر دولتی و نظیر آن می‌پرداختند و تصوّر می‌نمودند با تشکیل ارکستر دولتی و تبلیغات نسبت به آن، می‌توانند دوام پیدا کنند.

باری شخص پیشه‌وری مردی متوسط بود. با اینکه مدّت‌ها در سیاست وارد بود، در این قسمت اطلاعات عمیق نداشت. در اثر یازده سال زندان نسبت به جامعه بد بین بود. آنچه نگارنده فهمیده است آرزوی او این بود که در آذربایجان حکومتی دمکراتیک (متمایل به کومونیسیم) بر اصول یوگوسلاوی و آلبانی در تحت حمایت روسیه تشکیل دهد بدون اینکه به روسیه ملحق شود و خود مثل مارشال تیتو و انورخوجا مورد توجه آزادیخواهان (!) دنیا واقع گردد. وی به چیزهای جزئی اهمّیت می‌داد و از چیزهای بزرگ غافل بود. همواره دم از آزادی می‌زد، ولی آزادی را نه تنها از آذربایجانی‌ها، بلکه از رفقای خود نیز [آزادی را] دریغ می‌داشت.

اگر برای نهضت پیشه‌وری حساب داین و مدیون ترتیب دهیم، کارهائی را که او انجام داد از قبیل دانشگاه که بالاخره دولت مرکزی آنرا ابقا و اصلاح و تکمیل نمود و ایستگاه رادیو و ساختمان‌ها و اسفالت خیابانها در شهرهای آذربایجان و بعضی چیزهای دیگر را در ستون داین قرار دهیم و خونهای را که بر اثر روی کار آمدن و سقوط دولت دمکرات ریخته شد و فجایع و مصائب و خرابیها را در ستون مدیون بنویسیم، باید بگوئیم که این نهضت به ضرر آذربایجان تمام شد، مگر اینکه بعدها حوادثی پیش آید و نتایج نیکو از این نهضت که تا این تاریخ بیشتر به ضرر آذربایجان تمام شده است، حاصل گردد.

بزرگترین ضرر این نهضت این بود که تا چندین سال کسی جرئت نخواهد کرد دم از احتیاجات حقیقی آذربایجان بزند و از آزادی و معانی نظیر آن دفاع نماید. در اثر این نهضت، آزادیخواهی و علاقه‌مندی به آذربایجان در خود آذربایجان موهون شد. اما این را نمی‌توانیم انکار کنیم که در اثر آن نهضت آذربایجانیها به آذربایجانیت خود تا اندازه‌ای شعور یافتند. از اینکه آذربایجان از لحاظ سیاست و سوق‌الجیشی چنان مهم است که نه تنها روسیه بلکه انگلیس و بالاتر از آن آمریکا نیز به آن توجه دارد خوشوقت شدند.

اینجا از موقع استفاده کرده عقیده خود را درباره آتیه آذربایجان همچنانکه در کتاب «ایران و انگلیس» بیان کرده‌ایم تکرار می‌کنیم. آن اینکه آذربایجان از چندین لحاظ لازم است مورد توجه دولت مرکزی قرار گیرد [۴] و در آنجا انجمن‌های ایالتی و ولایتی تشکیل شود. مردم آذربایجان خود در مقدرات خود ذی‌مدخل باشند و الا هر آن ممکن است پیشه‌وری دیگری ظهور کند و اسباب مشکلات جدید گردد.

پیشه‌وری وقتی که در قفقاز اقامت داشت مشهور به جوادزاده بود. عده‌ای معتقدند که وی آذربایجانی نبوده. خود او می‌گفت که من از سادات خلخال و نسیم به شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌رسد.

[۱] - حمله افراد دموکرات به پادگان تبریز چهارم آبان ماه ۱۳۲۴ بود.

[۲] - مجلس دوره چهاردهم روز ۲۱ اسفند ماه ۱۳۲۴ (۱۲ مارس ۱۹۴۶) پایان پذیرفت و

دوره فترت قوه مقننه آغاز شد و تا روز ۲۵ تیر ۱۳۲۶ (۱۶ ژانویه ۱۹۴۷) ادامه یافت.

[۳] - در مجلس دموکرات‌ها، عدّه‌ای از ملاکین حضور داشتند. در این مورد به کتاب

«مرگ بود بازگشت هم بود» تألیف نجفقلی پسیان رجوع شود.

[۴] - ای کاش مرحوم مؤلف

آذربایجان ملی حکومتینین اعلامیه سی

آذربایجان ملی مجلسینین انتخاب ائتدییی آذربایجان ملی دولتی ایرانین استقلال و تمامیتینی حفظ ائتمکله برابر، ایشه باشلادیغینی بو واسطه ایله بوتون خالقا اعلام ائدیر؛ بو اعلامیه منتشر اولان گوندن (۲۱ آذر) ۱۳۲۴ اعتباراً، مالکیت خصوصی محفوظ اولماق شرطی ایله بوتون آذربایجاندا اولان دولت اداره لری ته زه حاکمیتین تحت اختیارینا کئچدییندن، عموم دولت مامورلارینا اوز وظیفه لرینی دوزگونلوک و صداقتله انجام وئرمه لری تاپشیریلیر. ته زه دولتین امرلرینه اطاعت ائدیب، اونون دستوری ایله رفتار ائدن کارمندلر اوچون مناسب ایش شرایطی وجودا گه تیریله جک، ایشله مکن امتناع ائده نلر ایسه کمال احترام ایله ایسته دیکلری یئره گوندریله جکلر.

آذربایجان ملی حکومتی خالقین سعادت و خوشبخت لیبندن اوتری قورولدوغو اوچون، عموم خالقی فعالیتته، دوزلوییه، آسایش و امنیت ی حفظ ائتمه یه، بیر-بیری ایله قارداشواری یاشاماغا دعوت ائدیر.

امینتی اخلاص ائدن و خالقین مال، جان، ناموس و حیثیتینه تجاوز ائله یئر، همچنین دولت مالینا خیانت الی اوزادیب دولت اداره لریندن سوء استقاده ائدنلر و یا دولت اداره لرینده خرابکارلیق، مسامحه و اوز وظیفه سینده کوتاهلیق ائتمک کیمی خائنانه تشبیلر بروزه وئرلر ایسه خالقین دشمنی حساب اولونوب، ملت و دولت یانیندا نفرت و انزجار قازانماقدان علاوه، قانونی محکمه واسطه سی ایله مجازات ائدیله جکلر.

هامیدان خالقا و اولکه یه خدمت و آذربایجانین گه له جه یی یولوندا جدیت گوزله نیر. دولت ایسه اونون شرایطینی وجودا گتیرمه یه چالیشاجاقدیر.

آذربایجان ملی وزیرلر هیأتی عین زاماندا آذربایجاندا ماموریتلری اولان خارجی دولترلرین دیپلوماسی نماینده لرینه اطلاع وئریر کی، کما فی السابق اونلارین بین الملل قانونلار شرایطینده اولان حق و اختیارلاری کمال دقت و احترام ایله مراعات اولوناجاقدیر. همچنین دموکراتیک دولترلرین اتباع اینین آسایش و امنیتینی حفظ ائتمک یولوندا ملی دولت هنج بیر فداکارلیقدان خوددارلیق ائتمه یه جکدیر. بوگوندن اعتباراً دولته متعلق اولان منقول، غیر منقول اموال، همچنین نقد و جنس و اعتبار ملی، دولت اختیارینا

کئچدییندن، اونلارین ساخلاماغینا موظف اولان دولت مامورلاری، کئچمیشده وئردیکلری تعهد و قبول ائتدیکلری مسئولیت اوزره، اونلاری حفظ و حراست ائتمه یه مجبور دورلار. بو اموالی حیف و میل ائدنلر آغیر جزالارلا مجازات گوره جکلر.

آرتیق آذربایجان ملی حکومتی تحقق تاپمیش، خالقین اراده سی ایله داخلی ملی دولتمیز وجودا گه لیب، رسمی صورته خالقیمیزین آرزو و آمالینی اجرا ائتمه یه باشلامیشدیر. خالق ایسه اوز ملی حکومتینه، وار قوه سی ایله مساعدت گوستریب اونون فعالیتی اوچون مناسب شرایط وجودا گه تیرمه لیدیر.

یوخاریدا قید ائدیلدی کیملی دولت وار قوه سی ایله امنیت حفا ائتمه یه چالیشیر. اونا گوره خالق اوچون نگران اولماغا هئچ بیر دلیل یوخدور. هر کس اوز ایشینه مشغول اولمالی، اوز ایسته دیبی کیمی یاشامالیدیر. بازار باغلاماق، مدرسه لری تعطیل ائدیپ، وحشت و اضطراب یاراتماغین معناسی یوخدور. حکومت اوز برنامه سینی خالقین احتیاجاتی اوزه رینده قورموشدور. اونا گوره خالق ناراحت ائدن حادثه لره یول وئرمیه جکیدیر. تصادفی حادثه لره ایسه چوخ تئز بیر زاماندا خاتمه وئریله جک. ماجراجولار،

آسایشی اخلاص ائدئلر صالح محكمه طرفیندن محاكمه و شدید بیر صورتده مجازات اولوناجاقلار. هئچ بیر پیس اتفاق دوشمیه جکدیر. هئچ کسین حقوقونا تعرض اولمیا جاقدیر. ملی حکومت نظمیه اداره سینی ته زه قوه لر، وسیع اختیارات ایله گولندیرمیشدیر. هرچ و مرچ و نامنلییه آرتیق میدان وئرلمیه جکدیر. مخصوصاً مدرسه لریمیز همان سابق پروگراملارینی تعقیب ائتمه لی محصللریمیز وار قوه لری ایله امتحانلارا حاضرلاشمالیدیرلار.

کندلرده و شهرستانلاردا ایسه جدی صورتده ایشه باشلانیب عادی حال وجودا گه له جک و دولت مامورلاری، فدایی لرین و یا غیر مسئول اشخاصین دخالتی اولمادان اوز وظیفه لرینی انجام وئرمه یه قادر اولاجاقلار. فدایی دسته لری انتظام آلتینا آلینیب معین مرکزده تابع اولاجاق، بو واسطه ایله هر بیر سوء حادثه احتمالینین قاباغی آلینا جاقدیر.

گئدین چالیشین، آسوده اولون ملتیمیزین گه له جه یی و سعادتینی تامین ائتمک اوچون قبول ائتدییمیز وظیفه نی صداقت و ایمانلا انجام وئرین. دولت عموم هموطنلردن بونو

طلب ائدیر

